

گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی

چالش‌ها و راهکارهای ارتقای دیپلماسی پارلمانی

جمهوری اسلامی ایران

(با تأکید بر دیپلماسی عمومی)

سخنران: حسن قشقاوی

(معاون کنسولی، امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۶۸۰

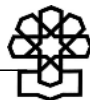
دفتر: مطالعات سیاسی

خردادماه ۱۳۹۳

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	رابطه بین دیپلماسی پارلمانی و عمومی
۱۲	پرسش و پاسخ
۱۷	جمع‌بندی سخنرانی



گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی  
چالش‌ها و راهکارهای ارتقای دیپلماسی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران  
(با تأکید بر دیپلماسی عمومی)  
سخنران: حسن قشقاوی (معاون کنسولی، امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه)

چکیده

با افزایش نقش مجالس قانونگذاری در مراودات نوین بین‌المللی، به غیر از وظایف تقنینی و نظارتی که در قانون اساسی به آنها اشاره شده است، رکن دیگری به صورت غیررسمی در حال اضافه شدن به کارویژه‌های مجالس قانونگذاری است که از آن با عنوان دیپلماسی پارلمانی نام می‌برند. دیپلماسی پارلمانی یکی از اهرم‌های مهم مجلس شورای اسلامی برای کمک به دیپلماسی رسمی و تأمین منافع ملی در عرصه خارجی است.

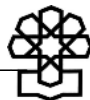
یکی از اولویت‌های پژوهشی گروه مطالعات پارلمانی دفتر سیاسی، شناسایی چالش‌ها و راهکارهای فراروی توسعه دیپلماسی پارلمانی از طریق برگزاری نشست‌های کارشناسی با نمایندگان ادوار و معاونت‌های پارلمانی دستگاه‌های اجرایی است.

## مقدمه

مهمترین اهداف نشست‌های کارشناسی مرتبط با دیپلماسی پارلمانی عبارتند از:

۱. ایجاد اسناد پشتیبان برای مستندسازی پژوهش‌های مرتبط با دیپلماسی پارلمانی،
۲. گردآوری اطلاعات لازم برای حرکت به سمت طراحی استراتژی دیپلماسی پارلمانی،
۳. شناسایی ظرفیت‌های مجلس شورای اسلامی برای کمک به دیپلماسی رسمی کشور،
۴. انجام مطالعات پشتیبان لازم برای تهیه سند همکاری‌های راهبردی بین دولت و مجلس در بخش سیاست خارجی،
۵. حضور مؤثرتر مجلس شورای اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و جهانی،
۶. شناسایی کاستی‌های موجود، ظرفیت‌های مغفول و سازوکارهای بهره‌گیری مؤثرتر از اهرم‌های دیپلماسی پارلمانی.

با توجه به اهداف فوق‌الذکر، برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور صاحب‌نظرانی که پیش‌تر نماینده بوده و سابقه فعالیت در وزارت امور خارجه را نیز داشته‌اند یا دارند، یکی از اولویت‌های گروه مطالعات پارلمانی برای نظام‌مند کردن و گسترش ابعاد نظری و کاربردی دیپلماسی پارلمانی است. به همین دلیل گروه مطالعات پارلمانی دفتر سیاسی پیش‌تر دو نشست تخصصی را با حضور آقایان حسین شیخ‌الاسلام (مشاور رئیس و مدیرکل امور بین‌الملل مجلس) و سیدجواد هاشمی (معاون اجرایی پیشین گروه بین‌المجالس جمهوری اسلامی ایران) و نشست دیگر را با حضور دکتر مهدی سنایی (عضو پیشین کمیسیون امنیت ملی و سفیر کنونی ایران در روسیه) برگزار کرده است.



محور نشست اول مربوط به موانع و راهکارهای حضور مؤثرتر ایران در اتحادیه جهانی بین‌المجالس و محور نشست دوم بررسی موانع و راهکارهای استفاده مطلوب‌تر از ظرفیت‌های دیپلماسی پارلمانی بوده است.

گروه مطالعات پارلمانی در سومین نشست تخصصی خود پیرامون آسیب‌شناسی دیپلماسی پارلمانی از آقای حسن قشقاوی معاون محترم کنسولی، امور مجلس و ایرانیان خارج کشور وزارت امور خارجه دعوت به عمل آورد. محور سخنرانی ایشان نیز شناسایی چالش‌ها و راهکارهای ارتقای دیپلماسی پارلمانی با تأکید بر دیپلماسی عمومی بوده است.

### رابطه بین دیپلماسی پارلمانی و عمومی

آقای قشقاوی: دیپلماسی پارلمانی موضوع مهمی است، لکن با توجه به تجاربی که در کشور وجود دارند کمتر درباره این موضوع کار کارشناسی شده است. برای اینکه بتوانیم با همدیگر درباره این موضوع بحث کنیم و به نتیجه مثبتی برسیم بهتر است به جای پرداختن به مباحث نظری موجود در کتب و جزوات که همه از آنها اطلاع دارند عملیاتی‌تر با هم صحبت کنیم.

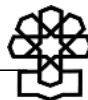
دیپلماسی پارلمانی، مرز بین دیپلماسی رسمی و عمومی است. در شرایط کنونی جهان، دیپلماسی رسمی کمرنگ‌تر شده ولی اهمیت دیپلماسی عمومی رو به افزایش است، زیرا احزاب پارلمانی قدرت را به دست می‌گیرند، اما لازم است بدانیم احزاب پارلمانی و ائتلاف‌های حزبی پارلمانی با چه شیوه‌ای از سوی مردم قدرت را به دست می‌آورند؟

در پاسخ باید گفت که این واسطه‌ها به‌عنوان نخبگان جامعه در تبلیغات انتخاباتی وارد می‌شوند تا یک ائتلاف حزبی سرکار آید. بعد از آن، حزب وزیر خارجه یا مقامات دیپلماسی رسمی را تعیین می‌کند. پس ریشه و منشأ قدرت توسط توده‌های مردم مشخص می‌شود که احزاب پارلمانی را به قدرت می‌رسانند و از آن حمایت می‌کنند.

موضوع دیپلماسی عمومی با دیپلماسی رسمی متفاوت است. چون در دیپلماسی رسمی انسان با یک دیپلمات یا مقام رسمی سروکار دارد. ملاقات و مذاکره وزرای امور خارجه، معاونین وزیر خارجه، مدیران کل یا رایزنی کارشناسان سیاسی با یکدیگر دیپلماسی رسمی است ولی موضوع دیپلماسی عمومی به افراد غیردیپلمات مانند هنرمند، ورزشکار، گروه‌های ذی‌نفوذ، رسانه‌ای‌ها و... مرتبط می‌شود. دیپلماسی عمومی یعنی اینکه افراد غیردیپلمات اولاً سیاست خارجی شما را درک کنند ثانیاً آن را قبول داشته باشند و ثالثاً برای شما تبلیغات کنند. این سه اصل مهم در دیپلماسی عمومی است. یعنی افراد عادی مردم یا توده‌های تأثیرگذار مثلاً سیاست هسته‌ای، سیاست خاورمیانه‌ای و سیاست شما در قبال آمریکا و غرب را بفهمند.

به بیان دیگر، جامعه هدف اولاً موضوع مورد نظر شما را درک کند، منطقی بودن آن را بپذیرد و بگوید سیاست اتخاذی شما سیاستی درست است و متعاقباً برای تأیید آن تبلیغات بیشتری داشته باشد. برای مثال اینکه اسرائیل دروغ می‌گوید، یا جان‌کری و اتحادیه اروپا راجع به فلان موضوع اشتباه می‌گوید را تأیید کنند.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که هر چند تفکیک نسبی قوا به لحاظ شکلی و در تمام قوانین اساسی و نظام‌های دمکراتیک وجود دارند ولی امروزه



بحث تفکیک کنار گذاشته شده و بیشتر همکاری بین قوا برای دستیابی به اهداف و منافع ملی مدنظر قرار گرفته است.

نظام‌ها یا ریاستی‌اند که در آن بیشتر قدرت را رئیس‌جمهور در اختیار دارد مثل آمریکا یا نیمه‌پارلمانی - نیمه‌ریاستی است. مثل فرانسه که در آن هر ۷ سال رئیس‌جمهور رأی آورده و دوره مجلس نیز ۴ ساله است که با این وضعیت این دو فرآیند همیشه متداخلند. برخی نظام‌های حکومتی نظیر سوئد، پاکستان و هند نیز پارلمانی‌اند که در آنها قوه مجریه به صورت ۱۰۰ درصد فرزند قوه مقننه است.

در نظام پارلمانی، هر حزب یا ائتلاف حزبی که اکثریت رأی را بیاورد نخست‌وزیر از آن حزب خواهد بود و چه بسا بسیاری از وزرا نماینده پارلمان نیز باشند.

چه نظام ریاستی باشد مثل آمریکا چه نیمه‌پارلمانی - نیمه‌ریاستی باشد مثل فرانسه چه پارلمانی باشد مثل سوئد، انگلیس، دانمارک؛ همه اینها از دل احزاب پارلمانی بیرون می‌آیند. مثلاً در سوئد روز رأی‌گیری همه می‌روند و به تخصص نماینده و افراد هم کاری ندارند. رئیس مجلس آنجا که ۲۷ تک رأی می‌آورد فقط خانواده‌اش به وی رأی دادند بیشتر از ۲۷ عدد رأی نیاورد.

اگر دیپلماسی عمومی ما قوی بود آیا می‌توانستند ۶ قطعنامه تحریمی در قالب ۵+۱ علیه ما صادر کنند. در ظاهر این کارها را دیپلمات‌های رسمی مانند وزیر امور خارجه انجام می‌دهد ولی در باطن نخبگان و تأثیرگذاران جامعه سیاست‌های گروه ۵+۱ را جهت می‌دهند. پس تا افکار عمومی مردم ۵+۱ را به نفع خودمان متقاعد نکنیم، حاصل تقسیمات آنها همین خواهد بود.

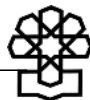
اگر دیپلماسی عمومی کشور قوی باشد ما می‌توانیم به حقوق واقعی خودمان دست یابیم. برای مثال اکنون آقای اشتون مایر وزیر خارجه آلمان است و اگر دیپلماسی عمومی ما قوی باشد وزیر خارجه جرأت نمی‌کند علیه ما صحبت کند چون در داخل با مشکل مواجه می‌شود یا جرأت ندارند در مجلس ۶ قطعنامه بدهند که کاملاً مغایر با حقوق بین‌الملل می‌باشند. ما باید عمق فاجعه را بدانیم که دیپلماسی عمومی ما چقدر ضعیف است و هنوز هم برای آن هیچ فکری نشده است. ما علیرغم بنیه‌ای قوی و امکانات فراوانی که در اختیار داریم ولی در سطح بین‌الملل از منظر دیپلماسی عمومی دستاورد خاصی نداشته‌ایم و دیپلماسی عمومی نتوانسته در کاهش تحریم‌ها موفق عمل کند. مثلاً اگر رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران را در نظام بین‌الملل مقایسه کنیم، با توجه به شرایط ذیل ما در عمل بسیار ضعیف ظاهر شده‌ایم.

۱. طبق حقوق بین‌الملل رژیم صهیونیستی براساس قطعنامه ۲۴۲ متجاوز است ولی جمهوری اسلامی ایران متجاوز نبوده و براساس قطعنامه ۵۹۸ قربانی تجاوز شده است.

۲. رژیم صهیونیستی به خاطر کاربرد برخی سلاح‌ها در سال ۲۰۰۷ و با رأی سازمان ملل جنایتکار جنگی است درحالی که ایران اصلاً جنایتکار جنگی نبوده و از نظر نظام بین‌الملل قربانی کاربرد سلاح کشتار جمعی است.

۳. رژیم صهیونیستی طبق اعتراف پرز بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ کلاهک هسته‌ای دارد.

۴. رژیم صهیونیستی تأسیسات هسته‌ای دیمونا دارد که هنوز حتی نیم دقیقه هیچ‌یک از تأسیسات هسته‌ای‌اش مورد بازرسی قرار نگرفته و هیچ دوربینی در



دیמוنا نصب نشده است.

۵. از نظر نظام بین‌الملل، ایران هرگز سلاح هسته‌ای نداشته است. ۱۷ نهاد اطلاعاتی آمریکا گفته‌اند اگر تا سال ۲۰۰۳ فرضاً ایران دنبال ساخت بمب اتمی بوده است در حال حاضر کنار گذاشته است.

با این توصیف، رژیم صهیونیستی اصلاً تحریم نشده است. چطور بنزین هواپیماهای ما تحریم است و چرا داروهای خاص و سرطانی که در قطعنامه هم نیامده است برای کشور ما عملاً تحریم می‌شود بخشی از دلایل آن به ضعف دیپلماسی عمومی ما برمی‌گردد که باید هر چه سریع‌تر حل شود و برای ورود به این حوزه راهکارهای دقیق و سنجیده را به کار ببریم تا بتوانیم در نظام بین‌الملل با دیپلماسی عمومی کارآمد و با ارتباط تنگاتنگ با مراکز قدرت و لابی‌های قدرتمند به منافع ملی خودمان دست یابیم و نباید حتماً به دیپلماسی رسمی وزارت خارجه وابسته بود و تنها از آن راه دنبال تأمین منافع باشیم.

به‌لحاظ قانون اساسی، وزیر در مقابل مجلس مسئول است. این طرف چه کسی بوده که نماینده را انتخاب کرد؟ توده مردم بود، لذا وقتی دوستان می‌گویند جک استراو نیاید، هیئت پارلمانی اروپا نیاید و... نیابند پس چه کسی می‌تواند متولی دیپلماسی پارلمانی باشد؟ چه کسی باید افکار عمومی جوانان آلمانی را به سمت ما برگرداند؟ برخی افراد منتقد دستگاه دیپلماسی می‌گویند باید داخل را بچسبیم. داخل را که دیپلماسی نمی‌گویند. دیپلماسی یعنی سروکار با طرف خارجی.

در دیپلماسی عمومی باید به لابی‌گر بیشتر توجه شود. برای مثال اگر ما در

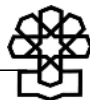
سازمان‌های مردم‌نهاد دانمارک لابی داشتیم، اگر برای گروه‌های هلندی تأثیرگذار سخنرانی داشتیم، یا در شهر آمستردام یک گروه را در مقابل وزیر امور خارجه هلند راه انداختیم این دیپلماسی عمومی است.

مجلس شورای اسلامی جزء مؤسس و قدیمی‌ترین اعضای اتحادیه جهانی بین‌المجالس است و هر ۶ ماه در ژنو به صورت مرتب جلسه دارد.

دبیرخانه بین‌المجالس آسیایی و دیگری بین‌المجالس کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی نیز در تهران است. پارلمان آسیایی که بنیانگذار آن هم مجلس شورای اسلامی بود در اولین اجلاس که در بنگلادش بود من نرفتم ولی در اجلاس دوم که در مجلس چهارم بود به کامبوج رفته بودم و دوباره در تایلند و فیلیپین هم به عنوان نماینده مجلس حضور داشتم. ما بنیانگذار مجمع مجالس آسیایی بوده‌ایم. شما فکر کنید که اگر کشور دیگری همچنین دبیرخانه‌ای داشت. چگونه از آن استفاده می‌کرد.

گروه‌های دوستی پارلمانی در دیپلماسی عمومی اهمیت بالایی دارند که متأسفانه در حال حاضر مکانیسم انتخاب این گروه‌ها روی حساب و کتاب نیست از یک صبح تا غروب در آنجا ثبت‌نام می‌کنند اهل هر جا باشند همشهری‌ها به آن شخص رأی می‌دهند. هیچ دلیل و ضابطه خاصی وجود ندارد و کسی که زبان آنجا را می‌داند در اولویت نیست.

ضمناً از ظرفیت بالای افرادی چون آقایان دکتر جلالی و دکتر لاریجانی نیز استفاده‌ای نمی‌شود. آقای لاریجانی با تجربیات زیادی که در حوزه دیپلماسی دارد ۲۰ درصد پارلمانی و بقیه آن جلسات خصوصی است و در مورد مسائل دیپلماتیک



روز و خیلی هم به روز و دقیق و وقایعی که تازه اتفاق افتاده در روابط دوجانبه صحبت می‌کند. ایشان قبلاً دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده و ظرفیت بالایی دارد. ما در ملاقات‌ها که می‌رویم برای مثال در فیلیپین به رئیس مجلس فیلیپین گفتیم ما مرکز پژوهش‌ها داریم این دو مرکز می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. تازه متوجه شدند که ما مرکز پژوهش‌ها داریم.

بهترین راه برخورد با منتقدین، مشارکت‌جویی ۲۹۰ نماینده است که اگر بخواهند در جریان هسته‌ای نباشند چه‌کار می‌خواهیم بکنیم. از وزیر خارجه سؤال می‌کنند با مجموعه‌ای از انرژی و پتانسیل باید مشارکت‌جویی بکند آنچه را به دولت و وزارت خارجه برمی‌گردد ما نباید آنها را نادیده بگیریم ما در حدود ۲۰ دکترای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در مجلس برای چنین روزی داریم حالا اصلاً در جریان دیپلماسی نباشند اینکه نمی‌شود. بنده به نمایندگان سؤال‌کننده که بیشتر از جبهه پایداری‌اند نیز می‌گویم شما باید باری از دوش وزارت خارجه و دولت بردارید. این به نفع مجلس نیست ما همه نهادهای حاکمیتی هستیم باید جلسه غیرعلنی برای آقای ظریف بگذارید، ایشان که همیشه مجلس است. چون حزب نداریم مشکل داریم. نمی‌شود بدون وضو نماز خواند.

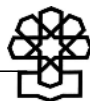
نشاط پارلمانی لوازمش حزب است. در حزب باید بنشینیم و همه دعاها را حل کنیم. از طرفی فراکسیون فعال نیز نداریم. مثلاً سؤال از وزیر امور خارجه اول باید در حزب مطرح شود. در نظام‌های پارلمانی موفق همه اینها در حزب پخت‌وپز می‌شود. ولی در مجلس ما چه کسی پخت‌وپز می‌کند تا سؤالات رسانه‌ای نشوند.

آقایانی (نمایندگان) که انتقاد می‌کنند اول در فراکسیون خودتان مطرح کنید بنده با آقای دکتر حداد صحبت کردم ایشان گفتند که من با این سؤال‌ها مخالفم. ایشان می‌گویند من صلاح نمی‌دانم این قدر از وزیر امور خارجه سؤال شود در مصاحبه هم می‌گویند ایشان خودش رئیس فراکسیون است. رئیس مجلس هم مخالف است. در رأس مملکت رهبر معظم انقلاب و سپس مدیران پخته نظام قرار دارند. گاهی ما می‌گوییم شورای عالی امنیت ملی چه کار می‌کند. این بزرگان نقش هدایت امور را برعهده دارند. در این جلسات آقای روحانی، آقای لاریجانی یا آیت‌الله صادق لاریجانی می‌توانند مسئله را حل کنند. نیازی نیست کسی انتقاد خود را به روزنامه‌ها منتقل کند.

مجلس نقش واسط بین دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی دارد. چون ابزار آیین‌نامه‌ای دارد می‌تواند وزیر را سؤال یا استیضاح کند یا در بخش رسمی حاکمیت تأثیر بگذارد. ضمن اینکه برخی نمایندگان مانند رئیس مجلس یا رئیس کمیسیون، مقام سیاسی‌اند. پس بهترین نقش واسط بین دیپلماسی عمومی و هم‌افزاکننده دیپلماسی رسمی نمایندگان مجلس‌اند.

قانون اساسی ما شبیه فرانسه است ما ساختارمان نیمه‌پارلمانی - نیمه‌ریاستی است. رئیس‌جمهوری می‌گوید ۱۸ میلیون رأی آوردم. نمایندگان هم می‌گویند ما ۲۵ میلیون رأی آورده‌ایم. هر دو به نوعی حق دارند.

در فرانسه که در زمان جمهوری پنجم به تدریج به یک عقلانیت رسیده است، آقای میتران چپ بود ولی زمانی که مجلس راست رأی آورد میتران نخست‌وزیر چپ



را کنار گذاشت کابینه راست را انتخاب کرد. ژاک شیراک راستی بود مردم به سوسیالیست‌ها رأی دادند ژاک شیراک نخست‌وزیر خودش را از راستی‌ها انتخاب کرده بود. یعنی در فرانسه به یک بلوغی رسیده‌اند که رأی متأخر مردم ملاک است یعنی اگر مجلس اصول‌گراست و آخرین رأی مردم به دولت تدبیر و امید بوده باشد، مجلس بلافاصله خودش را با دولت تنظیم می‌کند.

اشکال دیگر وجود قرائت‌های مختلف در مجلس است، مخصوصاً در مجلس ششم من با برخی نمایندگان اصلاح‌طلب یک بحث را مطرح کردم. دوستان می‌گفتند درخصوص تفکیک قوا، رسالت مجلس و دولت قرائت‌های مختلف داریم. من به نمایندگان گفتم شما نباید قرائت‌های مختلف داشته باشید ولی برعکس در حوزه‌های کلان حقوق اساسی روشنفکران حتی حق قرائت‌های مختلف را دارند.

فرق بین قانون اساسی و حقوق اساسی این است که قانون اساسی، قرائت رسمی حکومت است. می‌گوید نظر من راجع به تفکیک قوا، وظیفه مجلس و دیپلماسی پارلمانی این است. اگر آن را قبول نداری چرا نامزد مجلس و ریاست‌جمهوری شده‌ای.

قانون اساسی قرائت حکومت‌گراست. یک قرائت حکومتی و یک قرائت غیرحکومتی داریم. در حکومت قوای قضائیه و مقننه هم باید یک جور فکر کنند.

تحلیف برای این است که شما را روی یک قرائت واحد ببرند و مهمترین کار این است که ما باید حزب داشته باشیم و هیچ کس بدون حزب نباید بیاید یا فراقسیون‌های قوی داشته باشیم و همه دعاها هم درون حاکمیتی بشود. اگر بخواهد بین قوا اینجوری ارتباط برقرار باشد، باید به لحاظ ساختاری تقسیم کار شود.

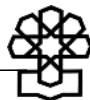
در بسیاری از کشورهای پیشرفته در چارچوب تفکیک قوا اصلاً اختلافی بین قوا نیست و اختلافی اساسی هم بین احزاب وجود ندارد اینکه می‌گویند حزب راست‌ها در غرب حزب چپ‌ها، همه در منافع ملی یکی هستند.

بنده رسماً انحلال همه اختلافات فکری را در اروپا اعلام می‌کنم تقریباً در اروپا اختلافی بین اصولگرا و اصلاح‌طلب وجود ندارد. به خاطر اینکه در کار کارشناسی همه تلاش‌ها شده است و قبل از مصاحبه با رسانه‌ها به یک نتیجه واحد رسیده‌اند.

### پرسش و پاسخ

**دکتر جمال‌زاده:** اگر دیپلماسی عمومی مثل کشورهای غربی اجرایی شود دیگر وزیر و بقیه دست‌اندرکاران رسمی عملاً کاره‌ای نیستند چون اگر قرار باشد خلاف رأی عمومی نظر بدهند در آینده رأی نمی‌آورند به هر حال افرادی که با رأی مردم می‌آیند و در رأس حکومت قرار می‌گیرند به دلیل اینکه یک قانون اساسی وجود دارد و کارگزار حکومتی هم هستند باید براساس آن قالب عمل کنند.

طبق فرمایش شما نماینده یا مسئول ما در ایران باید در قالب قانون اساسی در کلیت نظام حرکت کند. شما نقش قدرت‌های پنهان را در این مسئله چگونه می‌بینید. به هر حال قدرت رسانه و قدرت‌های دیگری که وجود دارد در ورای رفتار یک کارگزار حکومتی نقش دارند. مثلاً چیزی که در رابطه با اسرائیل یا ایران و فرانسه گفتید اینها خودشان که صحبت می‌کنند معنایش آیا این است که وزیر خارجه فرانسه وقتی در مورد بحث هسته‌ای موضعی می‌گیرد آیا این ناشی از دیپلماسی عمومی یا ناشی از



اندیشه‌ای است که در فکرش نظام‌مند شده است. برای مثال ما هیچ بمب اتمی نداریم ولی برای استفاده صلح‌آمیز از آن با دنیا مشکل داریم ولی رسانه‌ها طوری علیه ما هجوم آوردند که ما نمی‌توانیم دیگران یا افکار عمومی را با خودمان همراه کنیم. به هر حال این قدرت رسانه که پشت دیپلماسی وجود دارد و طرز تفکری که حاکمان دارند و عمل می‌کنند ولو اینکه مردم موافق نباشند در عمل نتیجه‌اش علیه ما می‌شود. نکته دوم بحث احزاب است. نبودش محسوس است الان ۳۵ سال است که ما اصل حزب را در قانون اساسی هم داریم ولی به هر دلیلی در ادوار مختلف در کشور ما شکل نگرفته است و حداکثر احزاب فصلی، مقطعی و فعال در بحبوحه انتخابات داشته‌ایم. آیا این ناشی از یک مشکل فرهنگی بوده و اینکه بعضی‌ها می‌گویند ما در اسلام حزب نداریم و...

ما چه کار باید بکنیم تا کارویژه احزاب به درستی انجام شود. اگر احزاب نباشند مجلس معنای واقعی خودش را از دست می‌دهد ولی ما می‌بینیم علی‌رغم اینکه در دوره‌های مختلف مجلس بحث احزاب را طرح می‌کند ولی هیچ وقت به سرانجام نمی‌رسد به نظر جناب‌عالی که هم در مجلس و هم در دولت بوده‌اید راهکار آن چیست.

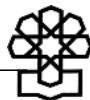
**آقای قشقاوی:** بحث اول قطعاً رسانه‌ها هستند که جزء گروه‌های نفوذاند و لابی‌گری می‌کنند. برای مثال در اسکان‌دیناوی ۳۰۰ رسانه اساسی از رادیو، تلویزیون، مجله و روزنامه متعلق به دو خانواده یهودی است. باید لابی‌سازی کرد. واقعاً از بس که تبلیغات شده ایرانیان خارج از کشور می‌ترسند بیایند. یکی از دلایل آن ضعف در کار

رسانه‌ای است که باید آن‌را به سرعت اصلاح کنیم. به این دلیل می‌گویم دیپلماسی عمومی باید تقویت شود.

ما باید کار جمعی را از همان ابتدا فرهنگ‌سازی کنیم، زیرا دو نفر که می‌شویم حزب تشکیل می‌دهیم سه نفر که می‌شویم انشعاب می‌کنیم.

**آقای هاشمی:** ضمن تشکر از مطالب مطروحه که از جنبه‌های آکادمیک و تجربی بیان شدند، درباره توافقنامه هسته‌ای منعقد شده میان ایران و گروه کشورهای ۵+۱ که اخیراً بنا به اصرار کنگره آمریکا که خواستار اطلاعاتی در مورد مفاد این توافقنامه non-paper بود، اطلاعات مورد نیاز پشت درهای بسته در اختیار کمیته مربوطه قرار گرفت و از آنها تعهد گرفته شد که پس از مطالعه، بلافاصله عودت دهند؛ بدون اینکه مجاز به تکثیر این اطلاعات باشند یا محتوای آن به بیرون از کمیته مربوطه منتقل شود. البته این مسئله در آمریکا هم که دارای یک نظام دمکراتیک متکی بر وجود احزاب است نیز فی نفسه محدودیت‌های خاص خود را دارد، بنابراین چرا ما نتوانیم چنین امری را در پارلمان خود محقق سازیم.

در رابطه با احزاب هم باید گفت وجود یک دیپلماسی پارلمانی فعال سازوکار خاص خود را می‌خواهد که از آن جمله وجود احزاب است. البته باید در اینجا اشاره کنم اینطور که سوابق تاریخی نشان می‌دهد دیپلماسی پارلمانی از قرن‌ها پیش در سنای روم باستان هم وجود داشته و به نوعی سناتورها در این زمینه با یکدیگر همفکری داشتند و در چارچوب همین فعالیت دیپلماسی پارلمانی نیز مأموریت‌هایی را



به سناتورها محول می‌کردند. در اینجا سؤال مشخص من این است که آیا دیپلماسی پارلمانی که نشأت گرفته از دیپلماسی عمومی است و اخیراً در نظام بین‌الملل نیز از جایگاه خاصی برخوردار شده است در هر نظام حکومتی، کارکرد واقعی خود را دارد یا اینکه فقط در برخی نظام‌ها پاسخگوست؟

دوم اینکه در دیپلماسی رسمی هم که دیپلمات‌های دولت به نوعی منتخب مردم‌اند، چنانچه دیپلماسی رسمی بتواند با قوت فعالیت خود را در جهت حفظ منافع ملی انجام دهد، آیا جایگاهی برای دیپلماسی پارلمانی می‌ماند؟

**آقای قشقاوی:** کارکرد حزبی را در دو جا می‌خواهم بگویم یکی اینکه دو تا نماینده کنگره که از حزب دمکرات و خیلی هم تند بودند بالاخره وقتی آقای اوباما گفته که مخالفت نباید بکنید امضایشان را پس گرفتند و بحث تشدید تحریم ایران را نکردند و دو نماینده دمکرات هم حزب آقای اوباما حتماً براساس دستورالعمل حزبی آمدند در آنجا نگفتند که ما مقاومت می‌کنیم و نکته دوم همین [non paper] که شما فرمودید. اینها گفتند بروید بخوانید حق انتشار آن را ندارید و به این نشان که به آن عمل کردند تا حالا هیچ عضوی از کنگره نیامده منتشر بکند و رفتند خواندند ولی آیا شما چنین تضمینی در مجلس ایران دارید .

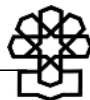
برخلاف تصور برخی‌ها در داخل که می‌گویند آزادی در غرب است نه این‌گونه نیست بلکه افکار را با تبلیغات شکل می‌دهند. برای مثال هر موقع BBC فارسی راجع به فعالیت‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی موافقان و مخالفان را دعوت نماید ما

می‌گوییم بی‌طرف است.

شما اگر کلمه فوردو یا نطنز را در گوگل سرچ کنید ۲۰ میلیون خبر می‌آید ولی درخصوص دیمونا ۵۰۰ خبر نیز نمی‌شود. ما دو سال قبل گفتیم ما برای خلع سلاح به هلسنکی می‌رویم. آمریکا به هم زد و گفت اسرائیل در خاورمیانه استثناست نباید خلع سلاح شود چقدر CNN بحث کرد هر موقع راجع به این بحث کرد آن زمان CNN بی‌طرف است.

الان حقوق بشر را با کلت و هواپیما در غرب تعیین می‌کنند. آمار صلیب سرخ می‌گوید از بعد سپتامبر ۲۰۰۱ سالیانه ۸۰ هزار نفر کشته می‌شوند حالا سوریه، عراق و افغانستان با پهپاد و غیره ولی در منطق حقوق بشری غرب اصلاً مهم نیست. فرض این است نفری که شما اعدام یا شکنجه می‌کنید جرمی مرتکب شده یا اعدام مواد مخدر ولی آن کسانی که پهپاد آمریکایی در یمن می‌کشد زن و کودک همه در آن هستند و این حقوق بشر نیست. خیلی باعث تأسف است که در دانشگاه‌های داخل کشور به این بدیهیات توجه نشود و فکر کنند ما ناقض حقوق بشریم.

آقای امیری: با توجه به افزایش اهمیت دیپلماسی عمومی در نظام بین‌الملل و نقش مؤثر آن در روند تأمین منافع ملی، به نظر می‌رسد ضرورت دارد تا الزامات تقویت این نوع از دیپلماسی در داخل مورد توجه بیشتری قرار گیرد. کارگزاران دیپلماسی عمومی از جمله هنرمندان و اساتید نیاز به توجه بیشتری دارند و باید برنامه مشخصی را برای درگیر کردن آنها در این فرآیند طراحی کرد. در این زمینه چه نظری دارید؟



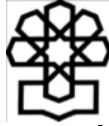
آقای قشقاوی: حتماً هم همین‌طور است هنرمندان که روح حساسی دارند باید عنایت و توجه بیشتری به آنها بشود بعضی از برخوردهای خشن و فیزیکی جواب نمی‌دهد تا الان جواب نداده و از این پس هم جواب نخواهد داد به نظر من یکی از حوزه‌هایی که خیلی می‌تواند تأثیر بگذارد همین سنت حسنه مناظرات است که خیلی کم است. اشکال کار این است که ما بعضاً روی مبنا اتفاق نظر و اجماع ملی نداریم. ما در هر حوزه‌ای از جمهوری اسلامی ایران اجماع ملی داشته باشیم موفقیم ما در دفاع مقدس اجماع ملی داشتیم موفق بودیم ما در دستیابی به تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای اجماع ملی داشتیم موفق بودیم اما الان در دیپلماسی عمومی اجماع ملی نداریم.

### جمع‌بندی سخنرانی

با ارجاع به سخنان جناب آقای قشقاوی، مهمترین آسیب‌های فراروی دیپلماسی پارلمانی از منظر دیپلماسی عمومی عبارتند از:

۱. پخته نشدن مطالب یا سؤالات در احزاب و فراکسیون‌های پارلمانی،
۲. ضعف نگاه تخصصی به گروه‌های دوستی پارلمانی،
۳. رسانه‌ای کردن مطالب محرمانه،
۴. نبود برنامه منسجم برای بهره‌گیری حداکثری از سازمان‌های بین‌المجالس که دبیرخانه آنها در تهران مستقر است،
۵. نقش داشتن عواملی همچون قومیت یا هم‌استانی بودن در انتخاب گروه‌های دوستی پارلمانی،

۶. ایجاد محدودیت‌های غیرضروری برای دیپلماسی پارلمانی مانند سفر هیئت‌های پارلمانی به ایران،
۷. ضعف دیپلماسی عمومی برون‌مرزی مجلس،
۸. ندانستن زبان،
۹. نبود تعامل مطلوب بین نمایندگان و بدنه کارشناسی مرکز،
۱۰. ایجاد چالش‌های موازی از طریق بالا بودن تعداد سؤالات تقدیمی نمایندگان،
۱۱. نداشتن اجماع ملی درخصوص دیپلماسی عمومی بین دولت و مجلس،
۱۲. نبود همسویی بین مواضع هیئت رئیسه یا دیپلمات‌های شاخص مجلس با اظهارات برخی نمایندگان.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۶۸۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی چالش‌ها و راهکارهای ارتقای دیپلماسی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر دیپلماسی عمومی) سخنران: حسن قشقاوی (معاون کنسولی، امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه مطالعات پارلمانی)

سخنران: حسن قشقاوی

تنظیم گزارش: سیدحسین حسینی

مقتضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی



واژه‌های کلیدی:

۱. دیپلماسی پارلمانی

۲. فراکسیون‌های پارلمانی

۳. دیپلماسی عمومی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۳/۵